

ما می‌گوییم:

ما حصل فرمایش امام آن است که:

۱. وقتی عامین من وجه را با هم ملاحظه می‌کنیم:

الف) در نظر عرف تعارض دارند: به مرجحات باب تعارض می‌پردازیم

ب) در نظر عرف تعارض ندارند: به بحث اجتماع امر و نهی وارد می‌شود.

۲. اما ایشان، ملاکی را ارائه نمی‌دهند که در صورت عرف، تعارض می‌فهمد و در چه صورتی چنین

نیست. ممکن است ملاک را از مثال‌های ایشان استفاده کنیم.

الف) مثال تعارض: اکرم العلما لا تکرّم الفساق

ب) مثال اجتماع امر و نهی: صل لا تغصب

۳. دو شیء را ممکن است بتوان به عنوان ملاک معرفی کرد:

یک) در مثال تعارض متعلق واحد است (اکرام) ولی موضوعات متفاوت است (علما، فساق) در

حالی‌که در مثال اجتماع امر و نهی، متعلق‌ها متفاوت هستند.

دو) در مثال تعارض، هر دو دلیل عام است ولی در مثال اجتماع امر و نهی، دلیل‌ها مطلق هستند

[البته در هر ۴ دلیل، متعلق، مطلق است و تنها موضوع‌ها در دلیل‌های تعارض عام است]

۱. شاید بتوان گفت ملاک مورد نظر ایشان، اولین ملاک است

ما می‌گوییم:

درباره فرمایش امام نکاتی قابل بحث است:

۱. ممکن است بتوان گفت که این سخن به همان کلام مرحوم آخوند باز می‌گردد

چرا که:

وقتی عرف بین دو دلیل تعارض می‌بیند، در حقیقت احراز می‌کند که این دو ملاک‌های مطلق ندارند.

یعنی نمی‌توان در مورد اجتماع هر دو را دارای ملاک و اقتضا دانست. و این همان صورتی است که

مرحوم آخوند می‌فرمود «اگر احراز کردیم عدم ملاک در هر دو دلیل را، (با هم)، بحث، از صغریات

تعارض است»

و اگر عرف چنین تعارضی را نمی‌بیند، در حقیقت عرف احراز نمی‌کند که «هر دو دلیل ملاک مطلق

نداشته باشند»، و این همان فرضی است که مرحوم آخوند به عنوان صغرای بحث اجتماع امر و نهی

مطرح کردند.



ان قلت: امام می گویند حتی اگر مناط در مورد اجتماع احراز شود، اگر عرف تعارض ببیند، این از صغریات باب تعارض است. پس امام فرضی را تصویر می کنند که «مناط ها مطلق باشند و در عین حال تعارض باشد» در حالیکه از منظر آخوند، هر جا مناط ها مطلق باشند، بحث از صغریات تعارض نیست.

قلت: چنین احتمالی که امام مطرح می کنند، قابل قبول نیست. یعنی اگر عرف در جایی، احراز کرد که ملاک ها مطلق است، حکم به تعارض نمی کند چرا که در تعارض، تکاذب موجود است و یکی از ادله، دیگری را به دروغ بودن متهم می کند.

ان قلت: نهایت اشکال آن است که ملاک تعارض از منظر امام و ملاک تعارض از منظر آخوند، لازم و ملزوم هستند و لذا هر دو را می توان به عنوان ملاک قرار داد.

قلت: اولاً اگر چه این سخن صحیح است ولی اینکه کدام ملاک واقعی است و دیگری لازمه آن مهم است. و به نظر می رسد ملاک واقعی، ملاک مورد نظر آخوند است.

و ثانیاً: ملاک مورد نظر حضرت امام، بسیار گنگ است و منوط کردن مناط به «فهم عرف»، ضابطه قابل اتکایی نیست چرا که:

۲. ملاک حضرت امام در اینکه ملاک عرف برای اینکه دو خبر را معارض بداند، قابل مناقشه است.

چرا که اولاً: در میان روایات فروض متعددی است که فقها آن را از مصادیق تعارض دانسته اند، در حالیکه «متعلق» در دو دلیل مختلف بوده است.

مثلاً وقتی می گویند: سبّ حرام است مطلقاً با تقاض جایز است مطلقاً عامین من وجه هستند و تعارض دارند، در حقیقت در صورتی، حکم به تعارض کرده اند که متعلق دو دلیل، متفاوت است.

و ثانیاً: ممکن است در جایی متعلق واحد باشد و در عین حال، بحث از موارد تعارض نباشد. مثلاً اگر شارع گفته باشد «اکرم عالماً (عام بدلی) و لا تکرّم الفساق (عام استغراقی)» عرف بین اینها تعارض نمی بیند [به خلاف اکرم العلما (عام استغراقی) و لا تکرّم الفساق (عام استغراقی)]. و لذا در «یک عالم فاسق» بحث از مصادیق اجتماع امر و نهی می شود.

(اگر مندوحه نباشد: مرجحات باب تراحم / اگر مندوحه باشد: اجتماعی ها قائل به فعلیت هر دو حکم هستند و امتناعی ها، اگر تنها یکی مندوحه دارد، آن حکمی که مندوحه ندارد بالفعل می شود و اگر هر دو مندوحه دارند، حکمی که مناط قوی تری دارد فعلیت می یابد)



و ثالثاً: نمی توان فارق را «عام بودن موضوعات» قرار داد (لو فرض که چنین گفته شود) چرا که مثال‌هایی هم می توان یافت که اینگونه هستند و مصداق تعارض نیستند: «اکرم العلماء»، «لا تجلس فی ای جلسه تکون فیہ الغیبة» [که اگر در نزد عالم کسی هست و غیبت شنید، اگر بنشیند حرام است و ایضاً مصداق اکرام واجب است] در اینجا متعلق‌ها مختلف است در حالیکه موضوعات عام است و عرفاً فرقی بین آن و بین «صلّ و لا تغصب» نیست.

۳. اما نکته مهم آن است که:

اگر چه گفتیم که مناط اصلی، «احراز و عدم احراز اطلاق ملاک» است (مطابق نظر آخوند) و اگر چه گفتیم که «درک عرف از تعارض» لازمه «احراز عدم اطلاق» است و اگر چه گفتیم که «درک عرف از تعارض» ضابطه روشنی ندارد ولی:

«احراز عدم اطلاق» هم دارای ضابطه روشنی نیست و رجوع به «اجماع و ادله دیگر» ملاک روشنی نیست. پس سخن ملاک آخوند هم قابل تشخیص و ضابطه مند نیست.

